معنی شعر کنار کادر صفحه ۱۱ فارسی هشتم

چشم دل باز کن که جان بینی ◈❋◈ آنچه نادیدنی است آن بینی

معنی و مفهوم: عاشقانه بنگر تا خداوند را ببینی . و هر آنچه نادیدنی است آن را ببینی

آرایه های ادبی:

ترکیب « **چشم دل** » آرایه تشخیص دارد

جان و آن آرایه جناس دارد.

.تناسب بین واژه های چشم و دل و جان برقرار استواج آرایی: تکرار واج «ن»

دانش زبانی:

مصراع دوم آرایه تناقض (پارادوکس) دارد.

تناقض یا پارادوکس : آوردن دو کلمه یا دو معنی که ضد هم باشند و باهم قابل جمع نباشند . در این جا بین دو کلمه « نادیدنی »و «بینی»

معنی شعر پیش از این ها فارسی هشتم

۱- پیش از اینها، فکر می‌کردم خدا ❖ خانه‌ای دارد میان ابرها

معنی و مفهوم: قبل از این فکر می‌کردم خانه خدا در میان ابرهاست.

واژه های مهم:

پیش از اینها: در گذشته

آرایه های ادبی:

واج آرایی مصوت «آ»

قافیه: خدا ، ابرها

تعداد جمله: ۲ تا

۱- پیش از این‌ها فکر می‌کردم

2- خدا خانه‌ای میان ابرها دارد

۲- مثل قصر پادشاه قصّه‌ها ◈❋◈ خشتی از الماس و خشتی از طلا

معنی و مفهوم: خانه خدا مانند کاخ پادشاهان قصه‌هاست، خانه‌ای بزرگ که خشت‌هایش از الماس و طلا ساخته شده است.

واژه های مهم:

خشت: آجر

آرایه های ادبی:

بیت تشبیه دارد.

بین «قصر و پادشاه » ، «الماس وطلا» آرایه تناسب (مراعات النظیر)

واج آرایی : ـِـ در مصراع اول

تکرار : خشتی

تعداد جمله: ۳ تا

۱- (خانه‌ای) مثل قصر پادشاه قصه‌ها (دارد)

۲- خشتی از الماس (است)

۳- خشتی از طلا (است)

۳- پایه‌های برجش از عاج و بلور ◈❋◈ بر سر تختی نشسته با غرور

معنی و مفهوم: ستون های قصرش از عاج فیل و شیشه است و بر روی تخت پادشاهی با تکبر و غرور نشسته است.

واژه های مهم:

پایه: ستون

عاج: استخوان فیل که گران قیمت است و در ساختن اشیای تزیینی به کار می‌رود

آرایه های ادبی:

قافیه: بلور ، غرور

جناس **بر و سر** (اختلاف در صامت بـ و سـ)

واج‌آرایی: صامت بـ

تعداد جمله: ۲ تا

۱- پایه‌های برجش از عاج و بلور (است)

۲- با غرور بر سر تختی نشسته (است)

۴- ماه، برق کوچکی از تاج او ◈❋◈ هر ستاره، پولکی از تاج او

معنی و مفهوم: گمان میکردم ماه درخشان، درخشش کوچکی از تاج خداوند است و هر ستاره، یکی از پولک های روی تاج اوست.

آرایه های ادبی:

مراعات نظیر: ماه، ستاره و برق

قافیه: کوچکی ، پولکی

تشبیه: «ماه به برق کوچک» و «ستاره به پولک».

ردیف: از تاج او ، در دو مصراع

دانش زبانی:

ماه: نهاد

هر ستاره: نهاد

برق کوچک: مسند

پولک: مسند

تاج او: متمم.

۵- رعد و برق شب، طنین خنده‌اش ◈❖◈ سیل و طوفان، نعره توفنده‌اش

معنی و مفهوم: رعد و برق، انعکاس خنده خداست و سیل و طوفان، فریاد خدا است.

واژه های مهم:

طنین: صدا، آواز، پژواک

نعره: فریاد بلند

توفنده: خروشان، پر سر و صدا.

آرایه های ادبی:

مراعات نظیر: رعد، برق، طوفان و سیل.

دانش زبانی:

رعد و برق شب: نهاد

«طنین خنده‌اش» و «نعره توفنده‌اش»: مسند.

تعداد جمله: ۲ تا

۱- رعد و برق شب طنین خنده‌اش (است)

۲- سیل و طوفان نعره‌ی توفنده‌اش (است)

۶- هیچ کس از جای او آگاه نیست ◈❖◈ هیچ کس را در حضورش راه نیست

معنی و مفهوم: هیچ کس از جا و مکان خدا آگاهی ندارد و کسی را به حضور خدا راه نمی‌دهند.

آرایه های ادبی:

هیچکس را در حضورش راه نیست: کنایه از پذیرفته‌نشدن

تکرار: هیچ کس.

دانش زبانی:

«هیچکس» در مصراع اول: نهاد

جای: متمم

آگاه: مسند

نیست: فعل

حضورش: متمم

نیست: در مصراع دوم، به معنای «وجود ندارد»، فعل غیراسنادی است.

تعداد جمله: ۲ تا

۱- هیچ کس از جای او آگاه نیست

۲- هیچ کس را در حضورش راه نیست

۷- آن خدا بی‌رحم بود و خشمگین ◈❖◈ خانه‌اش در آسمان، دور از زمین

معنی و مفهوم: خدایی که من در ذهنم داشتم بی‌رحم و عصبانی بود، او خانه‌ای در آسمان‌ها داشت و با زمین ارتباطی نداشت.

آرایه های ادبی:

مراعات نظیر و تضاد: زمین و آسمان

واج‌آرایی: خ.

دانش زبانی:

آن خدا: نهاد

بیرحم و خشمگین: مسند

خانه‌اش: مسند

آسمان: متمم

دور: مسند

زمین: متمم

فعل بود به قرینه لفظی حذف شده است.

تعداد جمله: ۳ تا

۱- آن خدا بی‌رحم بود

۲- و خشمگین (بود)

۳- خانه‌اش در آسمان ، دور از زمین (بود)

۸- بود، امّا در میان ما نبود ◈❋◈ مهربان و ساده و زیبا نبود

معنی و مفهوم: وجود داشت ولی بین ما نبود .مهربان و ساده و قشنگ نبود

دانش زبانی:

«بود» و «نبود» در مصراع اول: به معنای «وجود داشت» و «وجود نداشت»، فعلهای غیراسنادی هستند

مهربان، ساده، زیبا: مسند

«نبود» در مصراع دوم: فعل اسنادی است.

نهاد: خدا (حذف شده‌است).

تعداد جمله: ۳ تا

۱- بود

۲- اما در میان ما نبود

۳- مهربان و ساده و زیبا نبود

۹- در دل او، دوستی جایی نداشت ❖❖❖ مهربانی هیچ معنایی نداشت

معنی و مفهوم: دوستی و رفاقت در دلش جایی نداشت.

محبت و مهربانی هیچ معنایی نداشت

دانش زبانی:

دوستی و مهربانی: نهاد

دل او: متمم

جایی و هیچ معنایی: مفعول

نداشت: فعل.

تعداد جمله: ۲ تا

۱- در دل او دوستی جایی نداشت

۲- مهربانی هیچ معنایی نداشت

۱۰- هر چه می‌پرسیدم از خود از خدا ◈❁◈ از زمین از آسمان از ابرها

معنی و مفهوم: هرچه از دیگران درباره خدا، خودم، زمین، آسمان و ابرها سؤال میکردم.

آرایه های ادبی:

مراعات نظیر: زمین، آسمان، ابرها

واج‌آرایی: ز.

دانش زبانی:

خود، خدا، زمین، آسمان، ابرها: متمم.

تعداد جمله: ۲ تا

۱- هر چه از خود ، از خدا می‌پرسیدم

۲- از زمین از آسمان از ابرها (می‌پرسیدم)

۱۱- زود می‌گفتند: «این، کار خداست ◈❋◈ پرس‌وجو از کار او کاری خطاست»

معنی و مفهوم: همه میگفتند: این کار خداست و سؤال کردن در مورد او اشتباه و خطاست

آرایه های ادبی:

واج آرایی: ر، ک، آ

تکرار: کار و کار.

دانش زبانی:

کار و پرس و جو: نهاد

«کارِ خدا» و «کاری خطا»: مسند.

تعداد جمله: ۳ تا

۱- زود می‌گفتند

۲- این ، کار خداست

۳- پرس‌وجو از کار او ، کاری خطاست

۱۲- نیّت من در نماز و در دعا ◈❖◈ ترس بود و وحشت از خشم خدا

معنی و مفهوم: به دلیل ترس و وحشت از خشم خدا نماز و دعا میخواندم.

آرایه های ادبی:

مراعات نظیر: «نیت، نماز، دعا» و «ترس، وحشت، خشم».

دانش زبانی:

نیت من: نهاد

ترس و وحشت: مسند

دعا، نماز، خشم خدا: متمم.

تعداد جمله: ۲ تا

۱- نیت من در نماز و در دعا ترس بود

۲- و وحشت از خشم خدا (بود)

۱۳- پیش از اینها، خاطرم دلگیر بود ◈❋◈ از خدا در ذهنم این تصویر بود

معنی و مفهوم: قبل از این از خدا ناراحت و دلگیر بودم و این تصویر از خدا در ذهنم بود

آرایه های ادبی:

واج آرایی: ی.

دانش زبانی:

«خاطرم» و «این تصویر»: نهاد

دلگیر: مسند

بود (در مصراع اول): فعل اسنادی

خدا: متمم

ذهنم: متمم

بود (در مصراع دوم) به معنای وجود داشتن: فعل غیر اسنادی.

تعداد جمله: ۲ تا

۱- پیش از اینها خاطرم دلگیر بود

۲- از خدا در ذهنم این تصویر بود

۱۴- تا که یک شب، دست در دست پدر ❖ راه افتادم به قصد یک سفر

معنی و مفهوم: تا این که یک شب، در حالی که دست پدرم را گرفته بودم به سفر رفتیم.

آرایه های ادبی:

تکرار: دست

مراعات نظیر: قصد، سفر، راه

دست در دست: کنایه از همراهی.

تعداد جمله:

۱- تا که یک شب دست در دست پدر به قصد یک سفر راه افتادم.

۱۵- در میان راه، در یک روستا ◈❖◈ خانه‌ای دیدیم، خوب و آشنا

معنی و مفهوم: در میان راه سفر، در یک روستا، خانهای خوب و آشنا را دیدیم.

آرایه های ادبی:

واج آرایی مصوت «آ»

تعداد جمله:

۱- در میان راه در یک روستا خانه‌ای خوب و آشنا دیدیم.

۱۶- زود پرسیدم: «پدر، اینجا کجاست؟» ◈❖◈ گفت: «اینجا خانه خوب خداست»

معنی و مفهوم: بلافاصله از پدرم پرسیدم که پدر اینجا کجا است؟ پدرم گفت: اینجا خانه‌ی زیبای خداست.

آرایه های ادبی:

واج‌آرایی: تکرار حروف «خ» و «ج».

دانش زبانی:

زود: قید

پرسیدم: فعل

پدر: منادا

اینجا: نهاد

کجا: مسند

خانه خوب خدا: مسند.

۱۷- گفت: «اینجا می‌شود یک لحظه ماند ◈❁◈ گوشه‌ای خلوت، نمازی ساده خواند

معنی و مفهوم: پدر گفت: اینجا می‌توان لحظه‌ای توقف کرد و در گوشه‌ای نماز خواند.

آرایه های ادبی:

قافیه: ماند ، خواند

واج‌آرایی: مصوت ی

تعداد جمله: ۴ تا

۱- گفت

۲- می‌شود

۳- اینجا یک لحظه ماند

۴- گوشه‌ای خلوت ، نمازی ساده خواند

۱۸- با وضویی دست و رویی تازه کرد ❖❋❖ با دل خود گفت‌وگویی تازه کرد»

معنی و مفهوم: اینجا میتوان وضو گرفت و شاداب و سرحال با خدا راز و نیاز کرد و دعا و نمازی خواند.

آرایه های ادبی:

جناس تام: «تازه کرد» مصرع اول: «شستن» و «تازه کرد»: «نو کردن»

مراعات نظیر: دست، رو، دل

تشخیص: گفتگو با دل.

تعداد جمله: ۲ تا

۱- با وضویی دست و رویی تازه کرد

۲- با دل خود گفت‌وگویی تازه کرد

۱۹- گفتمش: «پس آن خدای خشمگین ❖ خانه‌اش اینجاست؟ اینجا در زمین؟»

معنی و مفهوم: به پدرم گفتم: پس خانه آن خدای خشمگین و عصبانی، اینجا در روی زمین است.

آرایه های ادبی:

واج آرایی: خ

تکرار: اینجا.

تعداد جمله: ۳ تا

۱- گفتمش

۲- پس آن خدای خشمگین خانه‌اش اینجاست؟

۳- اینجا در زمین (است)؟

۲۱- مهربان و ساده و بی‌کینه است ◈❖◈ مثل نوری در دل آیینه است

معنی و مفهوم: خداوند، مهربان و ساده و بدون کینه است.

خداوند مانند نوری در دل آینه است

آرایه های ادبی:

خداوند به نور تشبیه شده است.

دل آیینه: تشخیص.

آرایه تشخیص: هر گاه عمل، حالت و یا صفت انسانی را به غیر انسان، نسبت بدهیم، آرایه تشخیص پدید میآید.

تعداد جمله: ۲ تا

۱- مهربان و ساده و بی‌کینه است

۲- مثل نوری در دل آیینه است

۲۲- عادت او نیست خشم و دشمنی ❖❁❖ نام او نور و نشانش روشنی»

معنی و مفهوم: خشم و دشمنی از ویژگی های خدا نیست.

یکی از نامهای خدا نور است و روشنایی نشانه حضور است.

آرایه های ادبی:

واج‌آرایی: ن، و، ش

تلمیح به آیه ۳۵ سوره نور: «اللَهُ نُورُ السَمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ».

دانش زبانی:

خشم و دشمنی، نور و روشنی: مسند

عادت او، نام او، نشانش: نهاد.

تعداد جمله: ۳ تا

۱- عادت او خشم و دشمنی نیست

۲- نام او نور (است)

۳- و نشانش روشنی (است)

۲۳- تازه فهمیدم: خدایم این خداست ◈❋◈ این خدای مهربان و آشناست

معنی و مفهوم: تازه فهمیدم که این خدا، خدای من است

خدایی که مهربان و دوست داشتنی است

آرایه های ادبی:

تکرار: واژه خدا

واج‌آرایی: آ.

قافیه: خدا ، آشنا

ردیف: (ا) ست

تعداد جمله: ۳ تا

۱- تازه فهمیدم

۲- خدایم این خداست

۳- این خدای مهربان و آشناست

۲۴- دوستی از من به من نزدیک‌تر ◈❋◈ از رگ گردن به من نزدیک‌تر

معنی و مفهوم: او دوستی است که از خود من هم به من نزدیکتر است، از رگ گردن هم به من نزدیکتر است.

تعداد جمله: ۲ تا

۱- دوستی از من به من نزدیک‌تر (است)

۲- از رگ گردن به من نزدیک‌تر (است)

آرایه های ادبی:

قافیه: من ، گردن

ردیف: به من نزدیک‌تر ، به من نزدیک‌تر

تکرار من

تلمیح: اشاره به آیه‌ی قرآن که می‌فرماید: پروردگار ، *از رگ گردن به شما نزدیک‌تر است*

۲۵- می‌توانم بعد از این، با این خدا ◈❋◈ دوست باشم، دوست، پاک و بی‌ریا

معنی و مفهوم: از این به بعد میتوانم با این خدا دوست باشم، یک دوست پاک و صاف و صمیمی.

واژه های مهم:

بی‌ریا: بدون آلایش و ناپاکی

ریا: ظاهرسازی و خودنمایی، برای فریب خلق نیکو جلوه دادن خود یا چیزی

آرایه‌ها:

قافیه: خدا ، بی ریا

تکرار: دوست

تعداد جمله: ۳ تا

۱- می‌توانم

۲- بعد از این با این خدا دوست باشم

۳- دوست، پاک و بی‌ریا (باشم)